

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۶ (پیاپی ۵۳)
(ویژه‌نامه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی)

بررسی آواشناسی گویش کورده‌ی

دکتر کتایون نمیرانیان*
جعفر آقایی**
دانشگاه شیراز

چکیده

یکی از راه‌های حفظ زبان‌ها و گویش‌ها کوشش برای ثبت علمی دقیق آن‌هاست. در این مقاله سیستم آوایی گویش کورده‌ی به گونه‌ای مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از معرفی واج‌ها و واج‌گونه‌های گویش کورده‌ی، ساختار هجایی سپس فرایندهای آوایی و آنگاه مشخصات زبر زنجیری گویش مورد بررسی قرار گرفته است. **واژه‌های کلیدی:** ۱. گویش ۲. کورده ۳. واج ۴. دگرگونی‌های آوایی ۵. قلب ۶. تبدیل ۷. تکیه ۸. آهنگ.

۱. مقدمه

بی‌شک زبان یکی از راه‌های حفظ وحدت و جلوگیری از گسستگی ملت‌ها در طول تاریخ بوده است. کشور ما نیز از این امر مستثنی نبوده و نیست. یکی از راه‌های حفظ زبان‌ها و گویش‌ها کوشش برای ثبت علمی و دقیق آن‌هاست. در این مقاله سیستم آوایی گویش کورده‌ی به گونه‌ای مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد. قبل از پرداختن به این موضوع، معرفی مختصر گویشی که سیستم آوایی آن، موضوع مقاله حاضر است مفید به نظر می‌رسد.

گویش کورده‌ی یکی از گویش‌های زبان فارسی است که در قسمت‌هایی از جنوب استان فارس گویشور دارد. این منطقه محدوده‌ای حدود چهل روستا را در بر می‌گیرد. این روستاها در شهرستان‌های لارستان، مهر و فراه‌بند واقع شده‌اند. روستاها علیرغم تعلق داشتن به چند شهرستان، در جوار هم واقع شده‌اند و از نظر فرهنگ و آداب و رسوم و گویش وضعیت تقریباً مشابهی دارند. روستای کورده در مرکز این محدوده واقع شده که هم به دلیل دورافتادگی، گویشی دست نخورده‌تر از روستاهای مجاور دارد و

* استادیار بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی

هم پرمعیت‌تر از آن‌ها است. این روستاها از سمت غرب آخرین روستای بخش خنج و شهرستان لار است، در ۱۲۰ کیلومتری غرب خنج واقع شده است و ۱۴۹۳ نفر جمعیت دارد. در ناحیه‌ای گرم و خشک و در طول جغرافیایی ۵۲ درجه و ۴۶ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۲۷ درجه و ۵۸ دقیقه شمالی واقع شده است. گویش کورده‌ی علیرغم داشتن شباهت‌هایی با فارسی استاندارد از جهاتی نیز با آن متفاوت است که از تفاوت‌های بارز آوایی آن می‌توان به رواج بسیار فرایند حذف، عدم استفاده از برخی از واج‌ها مانند /q/ (معادل «ق» در فارسی استاندارد) و به کار بردن یکی از واج‌گونه‌های /d/ (نوعی /d̥/ سایشی) اشاره کرد. علاوه بر این تفاوت‌ها یکی از مشخصه‌های بارز و در واقع وجه تمایز این گویش با بسیاری از گویش‌های فارسی تبدیل نکردن /â/ به /u/ قبل از /n/ پایانی است. برای مثال در این گویش کلمه‌هایی مانند /nân/ و /xâne/ به همین صورت تلفظ می‌شوند و کلمه /nun/ نیز کاربردی ندارد.

در این مقاله پس از معرفی واج‌ها و واج‌گونه‌های گویش کورده‌ی، ساختار هجایی و سپس فرایندهای آوایی و آنگاه مشخصات زبرزنجیری گویش مورد بررسی قرار گرفته است.

۱.۱. شیوه پژوهش

در این تحقیق از دو روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به گونه‌ای که به توصیف جامع و دقیق آوا شناختی گویش منجر شود، محقق نسبت داده‌های ضبط شده را بر روی کاغذ پیاده کرده است. سپس با یافته جفت‌های کمینه از طریق داده‌های جمع آوری شده، واج‌ها و آواهای موجود در گویش را از فیش‌ها و نوارها و شم زبانی گویشور (پژوهشگر) استخراج کرده است. قالبی که برای تجزیه و تحلیل صوتی این گویش استفاده می‌شود قالبی داده محور و توصیفی است. در توصیف دیگر مفاهیم آواشناختی، خصوصیات زبر زنجیری، واحدهای آوایی مرکب و فرایندهای واجی، چارچوب مورد استفاده در کتاب‌های آواشناسی حق شناس (۱۳۸۰)، مشکوه الدینی (۱۳۷۴)، ثمره (۱۳۶۴)، یارمحمدی (۱۳۶۴)، لس (۱۹۸۵) و فالک (۱۹۷۸) به کار گرفته شده است.

۲. معرفی واج‌های گویش کورده‌ی

در هر زبان آواهایی وجود دارد که ممکن است در زبان دیگر یافت نشود. ولی آنچه مسجل است این که مجموعه یا انواع آواهایی که در زبان‌های مختلف دنیا به کار می‌رود محدود است. یعنی انواع معدودی آواها وجود دارد که تمام زبان‌ها از آن استفاده می‌کنند. این گونه آواها «اصوات گفتاری» نامیده می‌شوند (یارمحمدی، ۱۳۶۴). این اصوات گفتاری شامل همخوان‌ها و واکه‌ها می‌باشند.

۲.۱. همخوان‌ها (صامت‌ها)

همخوان‌ها یا صامت‌ها «اصواتی هستند که در موقع ادای آن‌ها، هوا پس از عبور از حنجره (با لرزش تارهای صوتی یا بدون لرزش آن‌ها) در طول مجراهای حلق و دهان با مانعی، به صورت انسداد،

سایش، با لرزش یا لغزش، برخورد کند» (یارمحمدی، ۱۲۱: ۱۳۶۴). به دسته‌ای از آواها که تولیدشان با ارتعاش تارهای صوتی و نتیجتاً ایجاد واک همراه باشد آواهای واکدار و به دسته‌ای از همخوان‌ها که تولیدشان بدون ارتعاش تارهای صوتی باشد بی‌واک گفته می‌شود (ثمره، ۱۳۶۴). بر اساس تقسیم‌بندی‌هایی که زبان‌شناسان برای همخوان‌ها در نظر گرفته‌اند همخوان‌های گویش کوردی را می‌توان به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد.

جدول ۱: همخوان‌های مورد استفاده در گویش کوردی.

شيوه توليد	انسدادی‌ها	سایشی‌ها	انسدادی - سایشی	خیشومی‌ها	کناری‌ها	لرزشی‌ها	ناسوده‌ها
جایگاه تولید							
دوبلی	p, b			m			
لبی - دندانی		f, v					
دندانی	t, d						
دندانی - لثوی			č, j	n			
لثوی		s, z			l	r	
لثوی - کامی		š, ž					
کامی							y
نرمکامی	k, g						
پس نرمکامی		x, γ					
چاکنایی	?	h					

۲.۲. واکه‌ها

واکه‌ها اصواتی هستند که در زمان تولید آن‌ها در مسیر حرکت جریان هوا از حنجره به طرف لب‌ها هیچ گونه انسداد یا تنگی مجرا که موجب بروز سایش شود در بین راه وجود ندارد بنابراین جوهره آوایی آن واک است. واکه‌های گویش کوردی مانند فارسی استاندارد همگی دهانی هستند یعنی هنگام تولید آن‌ها مسیر بینی به وسیله نرمکام مسدود است و از این‌رو گذر هوا تنها از طریق دهان صورت می‌گیرد (بهرامی، ۱۳۷۵؛ ثمره، ۱۳۶۴). بنابراین در تولید واکه «هوا: ۱. از دهان بیرون می‌آید. ۲. از مرکز زبان نه از کناره‌ها به طرف بیرون حرکت می‌کند. ۳. به هنگام عبور با هیچ نقطه از زبان اصطکاک قابل ملاحظه‌ای پیدا نمی‌کند» (یارمحمدی، ۱۲۱: ۱۳۶۴). زبان‌شناسان واکه‌ها را به اعتبار ارتفاع زبان (فاصله‌ی زبان تا سقف دهان) به واکه‌های بسته (واکه‌هایی که هنگام تولید آن‌ها زبان بالاتر از جای همیشگی خود قرار دارد و فاصله زبان تا سقف دهان کم است)، واکه‌های نیم‌بسته، واکه‌های باز (عکس واکه‌های بسته) و واکه‌های نیم‌باز و بر اساس آن قسمت از زبان که در تولید آن‌ها فعالیت دارد به واکه‌های پیشین (واکه‌هایی که در تولید آن‌ها بخش جلویی زبان فعال است)، میانی (در تولید آن‌ها

بخش میانی زبان فعال است) و پسین (عکس واکه‌های پسین) و به اعتبار شکل لب‌ها به واکه‌های گسترده و گرد تقسیم کرده‌اند (حق شناس، ۱۳۸۰؛ یارمحمدی، ۱۳۶۴). «کشش به مدت زمانی که ادای یک آوا طول می‌کشد اطلاق می‌شود» (یارمحمدی، ۱۳۶۴). به اعتبار همین نکته آواهای مورد استفاده در گویش کورده‌ی را نیز می‌توان به آواهای کوتاه و کشیده تقسیم کرد. واکه‌هایی که در گویش این منطقه کاربرد دارند را می‌توان به صورت زیر بر شمرد. برای معرفی بهتر واکه‌ها از مثال‌هایی که واکه‌ی مورد نظر را در جایگاه میانی و پایانی خود دارد و نیز از جفت‌های کمینه استفاده شده است. در این گویش نیز مانند گویش استاندارد (فارسی) واکه در ابتدای هجا واقع نمی‌شود.

جدول ۲: واکه‌های مورد استفاده در گویش کورده‌ی

پسین		پیشین		
گسترده	گرد	گسترده	گرد	
	u, ow	i, ey		بسته
	o	e		نیم بسته
â		a		باز

۲.۲.۱. تقسیم بندی دیگر واج‌های گویش کورده‌ی: زبان‌شناسان بر اساس شیوه و جایگاه تولید تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز برای واج‌ها در نظر گرفته‌اند که چون در توجیه فرایندهای واجی مفیدند در این قسمت مورد بررسی قرار گرفته است.

صداها را بر اساس ویژگی رسایی و یا گرفتگی به دو دسته «رسا»^۱ و «گرفته»^۲ تقسیم می‌کنند. صداهای گرفته در مقابل صداهای رسا هنگام تولیدشان نیاز به مصرف انرژی صوتی کمتری است (لس، ۱۹۹۸). به طور کلی واکه‌ها، خیشومی‌ها، روان‌ها (r, l) و ناسوده‌ها را در طبقه رسا و انسدادی‌ها، سایشی‌ها و انسایشی‌ها را در طبقه‌ی گرفته قرار می‌دهند (ثمره، ۱۳۶۴). بر حسب انرژی مورد استفاده در تولید آواها، آن‌ها را به دو دسته «سخت»^۳ و «نرم»^۴ تقسیم‌بندی کرده‌اند. بر این اساس تمام آواهای واکدار را در طبقه‌ی نرم و همه‌ی آواهای بی‌واک را در طبقه‌ی سخت قرار می‌دهند.

یکی دیگر از تقسیم‌بندی‌هایی که بر حسب جایگاه تولید انجام می‌شود تقسیم آواها به «قدامی»^۵ و «تیغه‌ای»^۶ است. اگر هنگام تولید آوایی، تیغه زبان به سقف دهان نزدیک شود آوای تولید شده تیغه‌ای است و بر این اساس آواهای دندانی، لثوی و لثوی-کامی تیغه‌ای هستند (فالک، ۱۹۷۸).

آواهایی را که به هنگام تولیدشان در مسیر جریان هوا در نیمه‌ی پیشین حفره‌ی دهان (در منطقه لثوی و پیش‌تر) ممانعت ایجاد می‌شود، قدامی خوانده می‌شوند. از این رو آواهای دولبی، دندانی و لثوی قدامی هستند (فالک، ۱۹۷۸).

جدول شماره ۳ تقسیم‌بندی آواها را بر اساس مشخصه‌های فوق ارائه می‌دهد. اولین ستون این جدول واج‌های موجود در گویش کورده و اولین ردیف سمت راست آن مربوط به مشخصه‌های آوایی

است. دارا بودن مشخصه‌ی مورد نظر برای هر واج با علامت + و نداشتن مشخصه با علامت «-» نشان داده شده است.

جدول ۳: تقسیم‌بندی دیگر واج‌های گویش کوردی.

واج‌ها	مشخصه‌های آوایی													
	واکهای	همخوانی	پیوسته	خیشومی	انسدادی	کناری	واکداری	سخت	قدامی	تیغهای	بسته	باز	پسین	رسا
p	-	+	-	-	+	-	-	+	+	-	-	-	-	-
b	-	+	-	-	+	-	+	-	+	-	-	-	-	-
t	-	+	-	-	+	-	-	+	+	+	-	-	-	-
d	-	+	-	-	+	-	+	-	+	+	-	-	-	-
k	-	+	-	-	+	-	-	+	-	-	+	-	+	-
g	-	+	-	-	+	-	+	-	-	-	+	-	+	-
m	-	+	-	+	-	-	+	-	+	-	-	-	-	+
n	-	+	-	+	-	-	+	-	+	+	-	-	-	+
f	-	+	+	-	-	-	-	+	+	-	-	-	-	-
v	-	+	+	-	-	-	+	-	+	-	-	-	-	-
s	-	+	+	-	-	-	-	+	+	+	-	-	-	-
z	-	+	+	-	-	-	+	-	+	+	-	-	-	-
š	-	+	+	-	-	-	-	+	+	+	+	-	-	-
ž	-	+	+	-	-	-	+	-	+	+	+	-	-	-
č	-	+	-	-	-	-	-	+	+	+	+	-	-	-
j	-	+	-	-	-	-	+	-	+	+	+	-	-	-
l	-	+	+	-	-	+	+	-	+	+	-	-	-	+
r	-	+	+	-	-	-	+	-	+	+	-	-	-	+
h	-	+	+	-	-	-	-	+	-	-	-	-	-	-
?	-	+	-	-	+	-	-	+	-	-	-	-	-	-
y	-	+	+	-	-	-	+	-	-	-	+	-	-	+
γ	-	+	+	-	-	-	+	-	-	-	+	-	-	-
a	+	-	+	-	-	-	+	-	-	-	-	+	-	+
e	+	-	+	-	-	-	+	+	-	-	-	-	-	+
i	+	-	+	-	-	-	+	+	-	-	+	-	-	+
o	+	-	+	-	-	-	+	+	-	-	-	-	+	+

â	+	-	+	-	-	-	+	+	-	-	-	+	+	+
u	+	-	+	-	-	-	+	+	-	-	+	-	+	+
ow	+	-	+	-	-	-	+	+	-	-	+	-	+	+
ey	+	-	+	-	-	-	+	+	-	-	-	-	-	+

۳. واج‌گونه‌ها در گویش کوردی

چنان‌که گفته شد واج‌گونه‌ها حاصل مشخصه‌های تولید دومین هستند، براین اساس برای معرفی واج‌گونه‌ها مشخصه‌های تولید دومین بررسی و واج‌گونه‌های حاصل از هر یک معرفی می‌شود.

۳.۱. دمش

«دمش فشار اضافی و سرعت بیش از معمول هوا هنگام تولید همخوان است» (حق شناس، ۸۰: ۱۳۸۰). در این گویش همخوان /č/ و همخوان‌های انسدادی بی‌واک - به استثنای /?/ در صورتی که در آغاز کلمه یا هجا قرار بگیرند دمیده می‌شوند. بنابراین مشخصه دمش موجب پیدایش چهار واج‌گونه در این گویش می‌شود:

[p^howdar]: [p^h] (پودر رختشویی) ، [k^hap^har] (سایبان)
 [k^horvak]: [k^h] (قورباغه) ، [jâk^hat] (ژاکت)
 [č^hâk^hân]: [č^h] (زنبل حصیری) ، [č^hel] (زیر بغل)
 [t^hile]: [t^h] (بچه جانوران) ، [lat^hur] (گورکن)

۳.۲. واکرفتگی

واکرفتگی از میان رفتن مختصه‌ی واک در همخوان‌های واکدار است. تمام همخوان‌های واکدار در این گویش چنان‌چه در مجاورت همخوان‌های بی‌واک یا در پایان واژه‌ی قبل از سکوت قرار گیرند واکرفته می‌شوند. در این تحقیق واکرفتگی با [̥] نشان داده شده است. با این حساب در گویش

کوردی یازده آوای واکرفته شامل: [b̥, d̥, g̥, v̥, z̥, m̥, n̥, r̥, l̥, ʃ̥, j̥] وجود دارد:

[darʃ̥] (شکاف) ، [mānt̥i] (دیلم) ، [ket̥] (کتری)
 [pav̥] (خوشه پروین) ، [sāḡ̥] (سگ) ، [zax̥] (زخم)

۳.۳. لبی شدگی

چنان‌چه همخوانی قبل از واکه‌های گرد یعنی [o] و [u] و [ow] قرار گیرد به طور طبیعی دارای خاصیت لبی شدگی (گرد) می‌شود یعنی هنگام ادای آن لب‌ها گرد می‌شوند. این مختصه با علامت [ʷ] نشان داده می‌شود؛ مانند:

[k^{hw}u] (شانه) ، [k^{hw}om] (شکم) ، [b^w:(h)ɣ] (زمین بلند)

بنابراین تمام همخوان‌های این گویش تحت شرایط فوق گرد می‌شوند.

۳.۴. کامی شدگی

«مختصه‌ی کامی‌شدگی از افراشته شدن بخش پیشین زبان به سوی کام در همخوان‌هایی که جایگاه تولیدشان کام نباشد حاصل می‌شود» (حق شناس، ۱۱۳: ۱۳۸۰). در این تحقیق این مشخصه با [ʰ] نشان داده می‌شود. /k/ و /g/ هر گاه قبل از واژه‌های پیشین قرار گیرند کامی می‌شوند؛ مانند:

[kʰem] (قیف) ، [gʰap] (حرف) ، [kʰaŋ] (قند)

۳.۵. نرمکامی‌شدگی

«این مختصه از برافراشته شدن بخش پسین زبان به سوی نرمکام در همخوان‌هایی که جایگاه تولیدشان نرمکام نیست حاصل می‌شود» (همان). در گویش کوردی هر گاه /n/ قبل از /k/ و /g/ قرار گیرد نرمکامی می‌شود که آن را به صورت [ŋ] آوانگاری می‌کنیم. مانند:

[maŋg] (زنگ) ، [mãŋkʰãš] (نوعی ابزار مثل ناخن گیر).

۳.۶. خیشومی‌شدگی

«مختصه‌ی خیشومی از فرود آمدن ملاز و باز ماندن حفره‌ی خیشوم هنگام تولید یک واژه حاصل می‌شود» (همان، ۱۱۵). در این گویش همه‌ی واژه‌ها قبل و بعد از همخوان‌های خیشومی دارای این مختصه می‌شوند که به صورت [̃] نشان داده شده است؛ مانند:

[bãŋ] (بند) ، [nãŋ] (نان) ، [mĩŋ] (مو)

۳.۷. کشش

در گویش کوردی هر گاه واژه‌ای قبل از همخوان واگدار یا خوشه‌ی همخوانی قرار گیرد کشیده‌تر از معمول ادا می‌شود؛ مانند [moːrx] (مرغ) در برابر [moŋ] (گرد). اگر واژه‌ای معادل فارسی اش /?/ پایانی یا /h/ میانی داشته باشد در این گویش معمولاً تلفظ نمی‌شود و بجای آن واژه قبلی کشیده‌تر ادا می‌شود که این مختصه به نام «کشش جبرانی»^۷ شناخته شده است. در این صورت مختصه‌ی کشش تقابل معنایی ایجاد می‌کند که در مثال‌های زیر مشهود است. این مختصه با توجه به میزان کشش به صورت [ː] یا [ː] نشان داده شده است؛ مانند:

[jãŋ] (نام شهری در جنوب) ، [jãːŋ] (جمع)

[pʰãŋ] (عزادار) ، [pʰãːŋ] (پهن)

[goŋ] (شعله آتش) ، [goːŋ] (محل نگهداری گوسفندان در روز)

[kʰetã:vã] (کتابها) ، [çʰe:re] (قیچی مخصوص چیدن پشم گوسفند)

[bor] (گروه) ، [bo:(h)ŋ] (زمین بلند)

۳.۸. بسته شدگی

در مقایسه‌ی دو واژه [tʰaxtʰe] (تخته) و [bãe] (تور مخصوص کاه) در گویش کوردی

می‌توان تشخیص داد که /a/ در واژه [bāne] بسته‌تر ادا می‌شود یعنی فاصله زبان با سقف دهان کمتر از میزان معمول برای ادای /a/ می‌شود چنین مختصه‌ای را محقق «بسته شدگی» نام نهاده که که با [ã] نشان داده است. این واج‌گونه در کلمات زیر نیز قابل تشخیص است:

[nãne] (مادربزرگ) ، [dãne] (آب بند)

۳.۹. لثوی شدگی

هرگاه /d/ در گویش کورده‌ی در جایگاه میانی یا پایانی قرار گیرد (به شرطی که خوشه همخوان نباشد). کمی عقب‌تر از جایگاه معمول خود ادا می‌شود و زبان به لثه‌ی بالا نزدیک می‌شود ولی به آن نمی‌چسبد. چنین حالتی باعث بوجود آمدن واج‌گونه [ḍ] می‌شود که در کلمات زیر قابل مشاهده است:

[bide] (بوده) ، [bâḍ] (باد) ، [neyḍân] (پیشه زار)

جدول شماره ۴ معرف واج‌گونه‌های گویش کورده‌ای است. ستون اول این جدول واج‌ها و ستون دوم واج‌گونه‌های این گویش را نشان می‌دهد.

جدول ۴: واج‌گونه‌های همخوان‌ها و واکه‌ها در گویش کورده‌ی.

واج‌گونه‌ها	واج‌ها	واج‌گونه‌ها	واج‌ها
[h , h ^w]	/h/	[p , p ^h , p ^w]	/p/
[č , č ^h , č ^w]	/č/	[b , b ^h , b ^w]	/b/
[j , j ^h , j ^w]	/j/	[t , t ^h , t ^w]	/t/
[r , r ^h , r ^w]	/r/	[d , d ^h , d ^w , ḍ]	/d/
[m , m ^h , m ^w]	/m/	[k , k ^h , k ^w , k ^j]	/k/
[n , n ^h , n ^w]	/n/	[g , g ^h , g ^w , g ^j]	/g/
[l , l ^h , l ^w]	/l/	[? , ? ^w]	/?/
[y , y ^w]	/y/	[s , s ^w]	/s/
[a , a : , a ^o , ã , ä]	/a/	[z , z ^h , z ^w]	/z/
[e , e ^o , e : , ê]	/e/	[š , š ^w]	/š/
[o , o : , o ^o , ô]	/o/	[ž , ž ^w]	/ž/
[â , â : , â ^o , ã]	/â/	[f , f ^w]	/f/
[i , i : , i ^o , î]	/i/	[v , v ^h , v ^w]	/v/
[u , u : , u ^o , u ^w , u]	/u/	[x , x ^w]	/x/
[ey , êy]	/ey/	[γ , γ ^w]	/γ/
[ow , ôw]	/ow/		

۴. ساختار هجایی در گویش کورده‌ی

چنان‌که قبلاً نیز ذکر شد هجاها در این گویش با ساختار هجایی در گویش استاندارد تفاوتی ندارد، یعنی واکه مرکز یا قله‌ی هجاست و بر این اساس سه نوع هجا در این گویش وجود دارد (حق‌شناس، ۱۳۸۰):

الف. هجای کوتاه (CV) متشکل از یک همخوان آغازین و یک واکه مانند:

/mo/ (من) ، /si/ (برای)

ب. هجای متوسط (CVC) متشکل از یک همخوان آغازین و یک واکه و یک همخوان پایانی:

/kor/ (کوتاه) ، /got/ (بزرگ) ، /var/ (کنار)

ج. هجای بلند (CVCC) متشکل از یک همخوان آغازین، یک واکه و دو همخوان پایانی:

/mošk/ (موش) ، /jerx/ (سریع) ، /pors/ (پرسش)

گفتنی است این گویش نیز مانند هر گویش دیگر واج‌آرایی (ترتیب ظاهر شدن واج‌ها در ساخت هجا) خاص خود را دارا است، یعنی بسامد وقوع بعضی از همخوان‌ها و واکه‌ها با هم صفر است. برای مثال دو همخوان که تنها تفاوت آن‌ها در واگذاری و بی‌واکی است پشت سر هم قرار نمی‌گیرند یعنی واژه /sabd/* را نمی‌توان جز واژگان این گویش محسوب کرد.

۴.۱. با هم‌آیی واج‌ها در ساختار هجایی CV

بسامد ساختار هجایی CV در گویش کورده‌ی بسیار زیاد است. و واکه‌ها همواره قله‌ی هجا هستند. در ساختار هجایی CV به جز در زنجیره‌های: /yi/ هر همخوانی می‌تواند با هر واکه‌ای بیاید. این ساختار هجایی هم ساختمان برخی از تک‌واژه‌های مستقل را تشکیل داده و هم در ساختمان کلمات دیگر به کار رفته است که نمونه‌هایی از آن در اینجا ذکر شده است:

/pâ/ (پا) ، /patak/ (حوصله) ، /nape/ (بنابراین)

/ti/ (نوک) ، /ture/ (شغال) ، /pati/ (برهنه)

/key/ (کی) ، /kaka/ (برادر) ، /kapar/ (سایه‌بان)

/ši/ (زیر) ، /šigar/ (شوهر) ، /mâšî/ (ماشین)

/a/?/ (از، به) ، /axal/?/ (طوفان) ، /alow/?/ (آتش شدید)

/či/ (چیز) ، /čowle/ (بی‌حس) ، /čerengâz/ (جرقه)

۴.۲. با هم‌آیی واج‌ها در ساختار هجایی CVC

زنجیره‌های آوایی زیر در ساختار هجایی CVC در گویش منطقه‌ی کورده ناممکن است: الف. طبیعی است زنجیره‌هایی که در ساختار هجای CV امکان پذیر نیستند در این ساختار نیز همخوان اول با واکه با هم آیی ندارد پس ناممکن است مانند * /yeyr/ که در این گویش ناممکن است.

ب. زنجیره‌هایی که همخوان دوم آن‌ها /?/ باشد مانند /ba?dan/ که در این گویش به صورت

[ba:ðan] (بعداً) تلفظ می‌شود.

ج. زنجیره‌هایی که همخوان دوم آن‌ها /b/ باشد زیرا چنان‌که در بخش معرفی واج‌ها نیز ذکر شد در این گویش /b/ در جایگاه میانی و پایانی ظاهر نمی‌شود: /lab/ که در این گویش به صورت /low/ (لب) تلفظ می‌شود.

به جز موارد فوق در گویش منطقه کورده تمام همخوان‌ها می‌توانند به عنوان همخوان اول یا دوم این ساختار هجایی به کار روند؛ مثال:

/moz/ (نخل)	،	/jom/ (حرکت)	،	/xezgâl/ (ذره بسیار کم)
/xer/ (گلو)	،	/mâs/ (ماست)	،	/gâr/ (قیر)
/firru/ (پرواز)	،	/čârkađ/ (روسی)	،	/haf/ (هفت)

۴.۳. با هم آبی واج‌ها در ساختار هجایی CVCC

زنجیره‌های زیر در ساختار هجایی CVCC در گویش کورده‌ای وجود ندارند:

الف. زنجیره‌هایی که در ساختار هجایی CV امکان پذیر نیستند نمی‌توانند به عنوان بخشی از ساختار CVCC نیز به کار روند زیرا همخوان اول با واکه بعد از خود با هم آبی ندارد مانند */yeynd/.

ب. خوشه‌های همخوانی که در آن‌ها واک، مشخصه‌ی تمایز دهنده است، در این گویش امکان پذیر نیست. در این گویش این خوشه‌ها شامل: /p/-/b/, /t/-/d/, /k/-/g/, /f/-/v/, /s/-/z/ و /ç/-/j/ می‌باشد مانند /ʔafv/ که در این گویش به صورت /ʔa:f/ (عفو) تلفظ می‌شود.

ج. خوشه‌های همخوانی که یکی از همخوان‌های آن /ʔ/، /h/، /y/ یا /b/ باشد مانند /šamʔ/ که در این گویش به صورت /ša:m/ (شمع) تلفظ می‌شود یا /tabl/ که در این گویش به صورت /tavl/ (طبل) تلفظ می‌شود. البته اخیراً تحت تأثیر گویش استاندارد واژه‌هایی چون /kabz/ (قبض) نیز از نسل جوان‌تر شنیده می‌شود.

د. همخوان‌هایی که در جایگاه پایانی قرار نمی‌گیرند به عنوان همخوان دوم خوشه همخوانی نیز نمی‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. این همخوان‌ها شامل /ʔ/، /h/، /y/، /d/، /ɣ/ و /ž/ می‌باشد. جدول شماره ۵ چگونگی با هم آبی واج‌ها در خوشه‌های همخوانی را نشان می‌دهد. در این جدول ستون عمودی همخوان اول و ردیف افقی همخوان دوم خوشه همخوانی است. در این جدول علامت «+» نشانه‌ی وجود مصداق و علامت «-» نشانه‌ی عدم امکان زنجیره و خانه‌های خالی نشانه وجود بالقوه واژه است.

جدول ۵: با هم آیی همخوان‌ها در خوشه‌های همخوان در گویش کوردهی.

	y	r	l	n	m	j	č	h	x	γ	š	z	ž	s	v	f	?	g	k	d	t	b	P	واج اول واج دوم	
	-				-			-		-	+		-		-	-	-			-	-	-	-	P	
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	b	
	-	+	+		+			-		-						+	-		+	-	-	-	-	t	
	-	+	+			-		-		-							-			-	-	-	-	d	
	-	+			+			-		-						+	-	-	-			-	-	k	
	-				+			-	-	-							-	-	-			-	-	g	
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	?	
	-	+		+	-			-		-		+	-	+	-	-	-				+	-	-	f	
	-	+	+					-		-		+	-	-	-	-	-					-	-	v	
	-			+	+			-		-	+	-	-	-		+	-		+			-	+	s	
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	ž	
	-	+		+	+			-		-	-	-	-	-	+	-	-	+			-	-	-	z	
	-	+			+	-		-	-	-		-	-	-	-	-	-		+		+	-	-	š	
	-		+		+		+	-	-	+	+		-	+			-				+	-	-	x	
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	γ	
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	h	
	-					-	-	-	-	-							-						-	č	
	-	+				-	-	-	-	-	+	-	-	-									-	j	
	-	+	+	+	-			-	-	-		+	-	+						+		-	+	m	
	-			-		+		-		-		+					-	+				-	-	n	
	-	-	-		+		+	-	-	-		-	-	+	+	-	-				+	+	-	l	
	-	-	-		+	+	-	-	+	+		+	-	+	+	+	-	+	+	+	+	+	-	+	r
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	y

۵. فرایندهای آوایی

واحدهای آوایی در اثر هم‌نشینی دستخوش تغییراتی می‌شوند. این تغییرات ممکن است آوایی را حذف کند، آنرا جانشین آوای دیگر کند، یا برخی از مشخصه‌های آن آوا را تغییر دهد. فرایندهای عمده آوایی مورد بررسی در این گویش شامل: همگونی و ناهمگونی، واج افزایشی (افزایش)، حذف، تبدیل و

قلب می‌باشد.

۵.۱. همگونی و ناهمگونی

به طور کلی همگونی فرایندی است که طی آن یک آوا به آوای دیگر شبیه می‌شود (همگونی ناقص) یا آوایی تبدیل به آوای مجاور می‌شود (همگونی کامل) و یا از تأثیر دو آوا بر هم آوای جدیدی که دارای مشخصاتی نزدیک به هر دو آوا است به وجود می‌آید. ناهمگونی برعکس فرایند فوق است یعنی یک آوا تغییر می‌کند تا با آوای مجاور متفاوت شود (لس، ۱۹۹۸). اگر یک آوا بر آوای بعد از خود تأثیر بگذارد و آنرا شبیه خود کند همگونی "پیشرو" و اگر آوایی با تأثیر بر آوای قبل از خود آن را شبیه خود کند همگونی "پسرو" است. اگر دو آوا بر هم اثر بگذارند و آوای سومیه که با دو آوای قبلی خصوصیات مشترکی دارد به وجود آید آنرا همگونی "دوطرفه"^۸ می‌نامند (لس، ۱۹۹۸). همگونی را از نظر مجاورت آواهای همگون شده به همگونی "نزدیک"^۹ که در آن آواهای همگون شده مجاورند و همگونی "دور"^{۱۰} که در آن آواهای همگون شده مجاور هم نیستند تقسیم می‌کنند (همان).

به طور کلی همگونی در گویش کوردی را می‌توان در طبقات زیر بررسی کرد:

الف. همگونی همخوان با واکه: تأثیر گذاری یک واکه بر همخوان مجاور: این نوع همگونی از نوع پسرو می‌باشد مانند لبی شدگی که در بخش واج‌گونه‌ها در مورد آن بحث شد:

$[k^{hw}u\check{g}] \leftarrow /kur/$ (کور) ، $[b^{w}owze] \leftarrow /bowze/$ (بادبزن)

یا کامی شدگی مانند:

$[k^{hj}ij^{w}u] \leftarrow /kiju/$ (نوعی انجیر صحرایی) که در آن $[k]$ در جایگاهی جلوتر از نرم‌کام یعنی

نزدیک کام تلفظ می‌شود.

ب. همگونی واکه با همخوان: تأثیر گذاری همخوان بر واکه مجاور مثل خیشومی شدگی که در

بخش واج‌گونه‌ها ذکر شد: این نوع همگونی هم می‌تواند پسرو و هم پیشرو باشد:

پسرو: $[n\check{a}\check{g}] \leftarrow /n\check{a}r/$ (نار) ، پیشرو: $[k^{h}on\check{a}\check{g}] \leftarrow /kon\check{a}r/$ (درخت سدر) که در

این کلمات آواهای $[\check{a}]$ و $[\check{o}]$ خیشومی شده است.

ج. همگونی همخوان با همخوان: تأثیر گذاری همخوان بر همخوان مجاور. این نوع همگونی نیز هم

می‌تواند پسرو و هم می‌تواند پیشرو باشد مانند:

پیشرو: $[dasse] \leftarrow /daste/$ (دسته) ، پسرو: $[satt^{h}\check{a}] \leftarrow /sadt\check{a}/$ (صدتا)

$[? \check{a}mbor] \leftarrow /? \check{a}nbor/$ ، $[? \check{a}mm^{w}o\check{g}] \leftarrow /? \check{a}mm^{w}o\check{g}/$ (انبر) در این کلمه نخست فرایند همگونی پسرو

$[n]$ را به $[m]$ تبدیل کرده، آنگاه تحت فرایند همگونی پیشرو $[b]$ به $[m]$ تبدیل شده است.

د. همگونی واکه با واکه: این نوع همگونی از نوع همگونی است که آن را به نام هماهنگی واکه‌ای

نیز می‌شناسند مانند:

$[b\check{u}\check{s}\check{u}\check{r}] \leftarrow /be\check{s}\check{u}\check{r}/$ (بشوی) که در آن $[e]$ برای همگون شدن با $[u]$ به آن تبدیل شده

است.

/bane/ ← [bãne] (تور مخصوص کاه) که در این واژه نیز [a] برای همگون شدن با [e]

بسته‌تر شده است.

برای ناهمگونی می‌توان واژه [kãmũt^haŋ] (کبوتر) را مثال زد که در آن [b] برای ناهمگون شدن

با [k] که انسدادی است به [m] که انسدادی نیست تبدیل شده است یا واژه [šošt] که در آن [s] به [š] تبدیل شده است.

۵.۲. واج‌افزایی (افزایش)

در این فرایند واجی یک واج به خوشه همنشینی واج‌ها افزوده می‌شود که مهم‌ترین نوع آن افزودن واج میانجی است. در این‌جا نمونه‌هایی از انواع واج‌افزایی در گویش کوردهی ارائه شده است:

جدول ۶: نمونه‌هایی از واج‌افزایی در گویش کوردهی

نوع واج‌افزایی	مثال
افزودن واج میانجی /y/ بین دو واکه یا بعد از برخی حروف اضافه	/bã-y-mo/ ← /bã-mo/ (با من) /dãmeni-y-â/ ← /dãmeni-â/ (پایینی‌ها)
افزودن واج میانجی /g/ بین دو واکه	/bače-g-âne/ ← /bače-âne/ (بچه‌گانه)
افزودن واج میانجی /n/ بین افعال ربطی مقید زمان حال و ضمائر	/mo-n-om/ ← /mo-om/ (منم) /to-n-i/ ← /to-i/ (تویی)
افزودن واج /u/ به آخر اسامی خاص (اغلب اسامی افراد در این گویش با پسوند /u/ همراهند).	/ja:far-u/ ← /ja:far/ (جعفر) /hâjar-u/ ← /hâjar/ (هاجر) /ʔavul-u/ ← /ʔavol/ (ابول)

دلیل افزایش واج میانجی را می‌توان امکان و سهولت تلفظ دانست. چون تلفظ دو واکه پشت سر هم غیرممکن یا سخت است.

۵.۳. حذف

همان‌گونه که آوایی را می‌توان از صفر تولید کرد می‌توان آن را حذف کرد یعنی «حذف» فرایند مقابل واج‌افزایی است. به طور کلی سه نوع حذف را می‌توان در آواشناسی برشمرد:

الف. حذف واج نخستین^{۱۱}

ب. حذف واج میانی^{۱۲}

ج. حذف واج پایانی^{۱۳}

می‌توان گفت رایج‌ترین فرایند آوایی در گویش کوردهی فرایند حذف است. در این گویش حذف واج نخستین کم است مثل /taš/ (آتش) ولی حذف واج میانی و پایانی بسیار رایج است. برای نمونه در اغلب افعال /d/ پایانی حذف می‌شود مانند:

/xãnd/ ← [xãn] (خواند) ، /vã-čomid/ ← [vãčomĩ] (زخم تازه شد).

با توجه به انواع حذف می‌توان الگوهای زیر را در مورد حذف در گویش کوردهی برشمرد:
 ۱. ۳. ۵. حذف یک آوا: الف. حذف /t/ در مجاورت همخوان‌های /s/، /š/ و /f/ در خوشه‌های همخوانی که در این موارد /t/ واج دوم خوشه است. گفتنی است چنین الگویی در فارسی استاندارد نیز قابل مشاهده است که این الگو را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

$$/t/ \rightarrow \emptyset \quad / \quad \left\{ \begin{array}{l} /š/ \\ /s/ \\ /f/ \end{array} \right\} \text{ —————}$$

مانند:

[mãš] ← /mast/ (ماست) ، [das] ← /dast/ (دست)
 [bis] ← /bist/ (بیست) ، [dasmãl] ← /dastmâl/ (دستمال)
 [haš] ← /hašt/ (هشت) ، [haf] ← /haft/ (هفت)
 ب. حذف /d/ از آخر صورت سوم شخص گذشته افعال و در مجاورت /n/ و /z/ در خوشه‌های همخوان:

[xãnni] ← /xannid/ (خندید) ، [ʔofti] ← /ʔoftid/ (افتاد)
 [čãŋ] ← /čand/ (چند) ، [mõz] ← /mozd/ (مزد)
 [mõrvãri] ← /morvãrid/ (مروارید) ، [ʔossã] ← /ʔossãd/ (استاد)
 ج. حذف /l/ قبل از کسره اضافه:
 [mẽs-e] ← /mesl-e/ (مثل)

د. حذف /r/ در واژه‌های زیر:
 [mã'ge] ← /magar/ (مگر) ، [ʔãge] ← /ʔagar/ (اگر)
 [diye] ← /digar/ (دیگر)

ه. حذف /h/ و /ʔ/ در جایگاه میانی و پایانی
 در صورت حذف /h/ معمولاً واکه قبل از آن کشیده‌تر تلفظ می‌شود که کشش جبرانی نام دارد:
 [ša:~m] ← /šamʔ/ (شمع) ، [še:r] ← /šeʔr/ (شعر)
 [mãšãd] ← /mašhad/ (مشهد) ، [so:l] ← /solh/ (صلح)
 [sa:fe] ← /safhe/ (صفحه) ، [ketã:v-â] ← /ketãb-hã/ (کتاب‌ها)
 [ma:~n] ← /manʔ/ (منع) ، [dãfe] ← /dafʔe/ (دفعه)

و. نمونه‌های متفرقه:

[čiš] ← /češm/ (چشم) ، [ʔa] ← /ʔaz/ (از)
 و ... ، [p^he:le] ← /piyãle/ (پیاله)

۵.۳.۲ حذف بیش از یک آوا: در این گویش گاه بیش از یک آوا تحت فرایند حذف قرار

می‌گیرد که مثال‌های زیر نمونه‌هایی از آن است:

/goft/ ← [go] (گفت)	،	/raft/ ← [ra:] (رفت)
/čehel/ ← [čel.] (چهل)	،	/bahâne/ ← [bo:ne]
/nist/ ← [ni~] (نیست)	،	/mo?allem/ ← [mâ~le~m.] (معلم)
/gereft/ ← [g~ere] (گرفت)	،	/kerd/ ← [k~e] (کرد)
و ...	،	/benešin/ ← [biši] (بنشین)

۵.۳.۳ حذف در اسامی خاص: یکی از ویژگی‌های گویش کوردهی حذف و تبدیل در برخی از

آواها در اسامی افراد و کوتاه‌تر تلفظ کردن آن‌ها است. نمی‌توان الگوی ثابتی را برای چگونگی این نوع حذف در این گویش توصیف کرد اما معمولاً آوا یا آواهای آخر اسم حذف شده و به آن /u/ اضافه می‌شود. نمونه‌هایی از این گونه حذف را در این اسامی می‌توان مشاهده کرد:

/?ayyub/ ← [?ayyu] (ایوب)	،	/?alu/ ← [?alu] (علی)
/zeleyxâ/ ← [zilu] (زلیخا)	،	/zeynab/ ← [zeynu] (زینب)
/zahrâ/ ← [zaru] (زهرا)	،	/qolâmrezâ/ ← [xulu] (غلامرضا)
/hoseyn/ ← [hussu] (حسین)	،	/?ebrâhim/ ← [?ilu] (ابراهیم)
/ja?far/ ← [jafu] (جعفر)	،	/?abdolhoseyn/ ← [?eylu] (عبدالحسین)

۵.۳.۴ بررسی فرایند حذف بر اساس نظریات آواشناختی در این مورد: نمونه‌های حذف

در این گویش بسیار زیاد است. یکی از ویژگی‌های بارز این گویش رواج بسیار زیاد فرایند حذف در آن است. این فرایند بر اکثر افعال و اسامی خاص در این گویش اعمال می‌شود. برای توجیه فرایندهای آوایی مثل حذف و تبدیل در گویش کوردهی و بررسی علل و عوامل آن، بحث مختصری از نظریه‌ی ضعف و قوت آواها (لس، ۱۹۹۸) و تئوری تقابل و پراکندگی آواها (فلمینگ، ۲۰۰۱) و نیز اصل کم کوشی در زبان (ساغروانیان، ۱۳۶۹) مفید به نظر می‌رسد.

۵.۳.۴.۱ نظریه‌ی قوت آوایی^{۱۴} (ضعیف سازی^{۱۵} و قوت بخشی^{۱۶})

الف. انسدادی < سایشی < ناسوده < صفر

ب. بی‌واک < واکدار

هم آواشناسی همزمانی و هم آواشناسی درزمانی بیانگر فرایندهای متعددی شامل تغییر در میزان و چگونگی رهش و نیز وضعیت حنجره و تارآواها هستند. اگر به موارد «الف» و «ب» دقت کنیم پیداست که هر چه از راست به چپ برویم، آواها نرم‌تر می‌شوند که می‌توان این پدیده را ضعیف‌سازی نامید و هر چه به سمت راست برویم پدیده سخت‌سازی یا قوت‌بخشی خواهیم داشت (لس، ۱۹۹۸).

دلیل فرایندهای «الف» روشن است: هر قدم که به طرف چپ نمودار حرکت کنیم آزادی تارهای صوتی و اندام‌های گویایی برای عبور جریان هوا بیشتر می‌شود. دلیل فرایند «ب» چندان روشن نیست

اما بسامد زیاد این فرایند در زبان‌های مختلف آن را به یک مورد کلی تبدیل کرده است. بر این اساس می‌توان فرایند زیر را در زبان در نظر گرفت: ۱. آواهای بی‌واک به آواهای واکدار تبدیل می‌شود. ۲. آواهای واکدار به آواهای سایشی تبدیل می‌شود. ۳. آواهای بی‌واک کناری: الف. سایش خود را از دست می‌دهند. ب. واکدار می‌شوند (لس، ۱۹۹۸). بخشی از این فرایند در گویش کورده‌ی قابل مشاهده است:

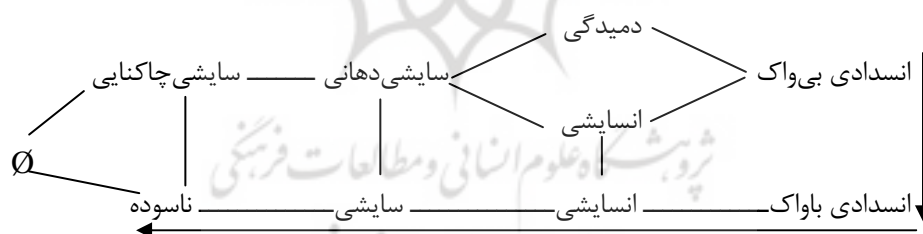
[?ofti] ← [?oftið] ← [?ofti] (افتاد)

انسدادی ← سایشی ← صفر

در این واژه بر اساس نظریه‌ی فوق [d] انسدادی به [ð] که سایشی است تبدیل شده است؛ یعنی قسمت پیشین زبان به پشت دندان‌های بالا نزدیک می‌شود اما هیچ‌گونه تماسی در محدوده‌ی تولید آوا که باعث انسداد شود به وجود نمی‌آید و سپس به صفر تبدیل شده است. چنین است که می‌بینیم در این گویش در اغلب موارد [d] یا حذف می‌شود یا به [ð] تبدیل می‌شود. برای تبدیل انسدادی به سایشی می‌توان تبدیل [b] به [v] هر وقت که [b] در جایگاه آغازین نباشد اشاره کرد:

[naˈbid] ← [navi] (نبود)

فرایند فوق به راحتی در این مثال قابل مشاهده است. یکی از راه‌ها برای بررسی فرایند سخت‌سازی و نرم‌سازی نگریستن به آن از طریق دو معیار "بازی" و "رسایی" است یعنی حرکت اندام‌های گفتار در ابتدا مستلزم کاهش مقاومت در برابر جریان هواست سپس کاهش بازده آکوستیکی و انرژی مصرفی. بر این اساس یک آوا می‌تواند در نمودار شبیه نمودار زیر تغییر و تحول یابد (لس، ۱۹۹۸: ۱۷۸):



نمودار ۱: فرایند ضعیف شدن آواها.

حذف، اغلب آخرین مرحله از فرایند ضعیف سازی یا نرم سازی است. هر چه واج ضعیف‌تر باشد بیشتر در معرض حذف شدن قرار دارد پس اگر به نمودار شماره ۱ نگاه کنیم هر چه همخوان‌ها بیشتر به سمت چپ نمودار یعنی به سمت آواهای ضعیف‌تر بروند بیشتر در معرض حذف شدن قرار می‌گیرند. البته گاهی وقت‌ها فرایند حذف تابع قوانین واژه-واجی است؛ برای مثال چون در این گویش نیز ادای دو واکه متوالی سخت است، هنگام افزودن تکواژ جمع /â/ به واژه‌هایی که به واکه ختم می‌شوند معمولاً واکه پایانی ریشه حذف می‌شود مانند:

/xâne- â/ ← [xân-â] (خانه‌ها)

به طور کلی فرایند نرم‌سازی رایج‌تر و طبیعی‌تر از سخت‌سازی است. در راستای این نظریه لس (۱۹۹۸) فرایند زیر را مورد توجه قرار می‌دهد که در بررسی فرایندهای آوایی در این گویش بسیار قابل چشمگیر است:

[- پیوسته] ← [+ پیوسته] مانند: [vâbi] ← [vâvi] (شد)

۲. ۴. ۳. ۵. نظریه تقابل و پراکندگی آوایی و اصل کم کوشی: اساس این نظریه این است

که انتخاب تقابل‌های آوایی با سه هدف عمده انجام می‌گیرد (فیلیمینگ، ۲۰۰۱):

۱. به حداکثر رساندن تمایز و تقابل

۲. به حداکثر رساندن خصوصیات تمایز دهنده در تقابل‌ها

۳. به حداقل رساندن تلاش برای ادای آنها

این اهداف (سه مورد فوق) از نقش زبان به عنوان ابزار انتقال اطلاعات ناشی می‌شود. هدف از به حداکثر رساندن تقابل‌های آوایی قائل شدن تفاوت بین لغات و ارزش لغوی بخشیدن به کلمات است. تمایزهای شنیداری و مشخصه‌های ممیز این تقابل باید به حداکثر برسد تا شنونده تفاوت‌های بین کلمات را درک کند. اصل سوم این است که تلاش برای تولید این تقابل‌ها به حداقل برسد (همان). این اصل که آنرا به عنوان «اصل کم کوشی»^۱ می‌شناسند یک اصل کلی برای تمام جنبه‌های رفتار آدمی است و تنها مختص زبان نمی‌باشد. ساغروانیان (۱۳۶۹) این اصل را چنین توضیح داده است که:

«انسان سعی دارد با کمترین کوشش بیشترین نتیجه را به دست آورد. در مورد گفتار نیز این امر صادق است. اما در انتخاب، هدف از کوشش حرکات مختلف اندام‌های گفتار برای ادای آواها و بیان مطالب است. منظور از نتیجه‌ی ادای آواها و بیان مقاصد به بهترین وجه و به نحوی که صد در صد مفهوم واقع شود می‌باشد. بین این احتیاج به بیان مقاصد و ایجاد رابطه با دیگران از یک طرف و تمایل به کاهش دادن فعالیت اندام‌های گفتار و مغز از طرف دیگر همیشه کشمکش برپاست و این برای آن است که انسان سعی می‌کند تا حد امکان از آن حرکات اندام‌های گفتار که صددرصد برای تفهیم و تفاهم لازم نیست صرف نظر کند. مثلاً در کلمه «بدنام» [bad.nâm] دو آوای [d] و [n] دارای یک جایگاه تولید هستند. زبان در تمام مدت تلفظ این دو به دندان‌ها چسبیده و برای گذشتن از صامت اول به صامت دوم، حرکتی نمی‌کند فقط در وسط این انسداد دهانی پرده‌ی کام پایین می‌آید تا چنین خیشومی به وجود آید. گاهی تمایل به آسان‌تر کردن تلفظ به آنجا می‌رسد که یکی از آواهای متشکله کلمه حذف می‌شود. مثلاً [dust] به صورت [dus] (دوست) در می‌آید. این نوع تمایل به صرفه‌جویی یا اقتصاد زبان را «قانون کم کوشیدن» نیز گفته‌اند» (ص: ۳۶).

به حداقل رساندن تلاش ممکن است در نگاه اول با به حداکثر رساندن خصوصیات ممیز در تقابل قرار گیرد. باید توجه داشت که همه‌ی آواها تلفظشان به یک اندازه آسان نیست برای مثال صداهایی که در بخش پسین دهان تولید می‌شوند انرژی بیشتری از صداهایی که جایگاه تولیدشان در بخش

جلوی دهان است صرف می‌کنند. برای جلوگیری از تولید صداهای انرژی‌بر محدوده‌ی تولید آواها محدودتر می‌شود در این صورت ممکن است از خصوصیات ممیز کاسته شود اما گویشور همیشه بین این دو تعادل برقرار می‌کند (فیلیمنگ، ۲۰۰۰).

یکی از عواملی که در بررسی فرایندهای واجی باید به آن توجه کرد مسأله‌ی سطوح کاربرد زبانی است. از پژوهش‌های زبان‌شناسان اروپایی در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، ثابت شد که قانون‌های آوایی عام و قیاسی و استثناپذیرند یعنی تغییر آوایی در همه‌ی واژگان سطح زبانی رخ می‌دهد. مثلاً اگر در گویش کوردی در یک محیط آوایی خاص [q] (ق) در کلمات فارسی استاندارد در این گویش به [k] تبدیل می‌شود این یک قانون آوایی عام و استثناپذیر است. حال اگر این قانون در کلمه‌ای مثل /qor?ân/ (قرآن) اجرا نمی‌شود به این دلیل است که کلمه‌ی «قرآن» فقط در سطح فرهنگی کاربرد دارد نه در سطح عامیانه یا محلی، از این رو بدون تغییر تلفظ می‌شود.

۵.۴. تبدیل

در این فرایند واجی به واج دیگر تبدیل می‌شود. شاید در نگاه اول نتوان توجیهی در قالب قواعد آوایی معمول برای این فرایند که به آن ابدال هم می‌گویند پیدا کرد (باقری، ۱۳۷۳). در گویش کوردی تبدیل به وفور مشاهده می‌شود. آن چه مسلم است این است که انسان سعی دارد که با کمترین تلاش بیشترین نتیجه را به دست آورد. مثلاً گویشوران زبان با تبدیل واج‌های سخت به واج‌های نرم سعی دارند با مصرف انرژی کمتر منظور خود را بیان کنند که این ویژگی در گویش کوردی بیشتر دیده می‌شود، مثلاً واژه /nabud/ در این گویش به /navi/ تبدیل شده است. چنانچه در نظریه‌ی قوت و ضعف آواها ذکر شد آواهای انسدادی به سایشی که تلفظشان راحت‌تر است تبدیل می‌شود (نمودار شماره ۱) و واکه /u/ نیز به /i/ که پیشین است تبدیل می‌شود (ر.ک. ۲، ۳، ۴). جدول زیر نمونه‌هایی از آن را نشان می‌دهد.

جدول ۷: نمونه‌هایی از فرایند تبدیل در گویش کوردی

واژه	معنی	نوع تبدیل
/vardâr/ ← /bardâr/	بردار	تبدیل /b/ به /v/ (انسدادی به سایشی)
/xârd/ ← /xord/	خورد	تبدیل /o/ به /â/ (تبدیل واکه نیم بسته به باز)
/kâšox/ ← /qâšox/	قاشق	تبدیل /q/ به /k/ و /x/ (تبدیل پس نرم‌کامی به نرم‌کامی و انسدادی به سایشی).
/čâ:/ ← /čâh/	چاه	تبدیل /â/ به /a/ (واکه پسین به پیشین)
/?âb/ ← /?ow/	آب	تبدیل /âb/ به /ow/
/darf/ ← /zarf/	ظرف	تبدیل /d/ به /z/ (انسدادی به سایشی)
/qâli/ ← /qâli/	قالی	تبدیل /q/ به /ɣ/ (انسدادی به سایشی)

نمونه‌های ذکر شده منحصر به مثال‌های جدول فوق نیست بلکه برای هر نمونه مثال‌های زیادی می‌توان یافت. یکی از نکاتی که ذکر آن لازم به نظر می‌رسد این است که کلماتی که معادل فارسی آن‌ها /q/ دارد و وارد این گویش شده، چون در این گویش /q/ کاربرد ندارد به این دلیل /q/ به /γ/ یا /k/ تبدیل می‌شود و این نوع تبدیل نیز در قالب نظریه‌ی ضعف و قوت آواها قابل بیان است. با توجه به مثال‌های ارائه شده الگوهای زیر در مورد تبدیل در این گویش قابل بیان است:

الف. تبدیل همخوان‌های انسدادی به سایشی: چنان‌که مثال‌های ذکر شده نشان می‌دهد همخوان‌های انسدادی مانند /b/، /q/ و /d/ گاه به همتای سایشی خود یعنی /v/، /γ/ یا /x/ و /z/ تبدیل می‌شود که با توجه به نظریات ضعف و قوت آوایی و اصل کم کوشی دلیل این نوع تبدیل را می‌توان در صرف انرژی کمتر و حفظ تمایز بین کلمات دانست (ر.ک. نمودار ۱).

ب. تبدیل آواهایی که جایگاه تولیدشان عقب‌تر دهان است به آواهایی که جایگاه تولیدشان جلوتر است: این نوع تبدیل نیز در تبدیل /q/ پس نرمکامی به /k/ نرمکامی و /â/ (واکه پسین) به /a/ واکه پیشین مشهود است.

۵.۵. قلب

«گاهی دو همخوان در ترکیب بر اثر همنشینی جای خود را با هم عوض می‌کنند به طوری که همخوان اول جایگاه دوم را می‌گیرد و همخوان دوم به جای همخوان اول می‌نشیند. این فرایند را قلب گویند» (حق شناس، ۱۳۸۰).

در گویش کوردهی نیز نمونه‌هایی از قلب مشاهده می‌شود:

/masxare/ ← /maxsare/ قلب /s/ و /x/

/tubre/ ← /torve/ تبدیل /b/ به /v/ و قلب /r/ و /v/

/qolf/ ← /kolf/ قلب /l/ و /f/

/?orz/ ← /?orz/ قلب /r/ و /z/

/tanhâ/ ← /te:(h)nâ/ تبدیل /a/ به /e/ و قلب /h/ و /n/

۶. مشخصات زبرزنجیری گویش کوردهی

عمده‌ترین واحدهای زبر زنجیری که در این مطالعه در ادامه‌ی بحث آواشناسی گویش کوردهی

بررسی می‌شود عبارتند از:

۱.۶. تکیه

«تکیه از نظر تولید از ترکیب مختصه‌های تغییر در فشار هوا، اختلاف در درجه‌ی زیر و بمی و تفاوت در کشش واکه‌ای حاصل می‌شود و از نظر شنیداری به رسایی بیشتر تعبیر می‌شود» (حق شناس، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

تکیه را در گویش کوردهی می‌توان چنین بررسی نمود (برای مشخص‌تر شدن موارد ذکر شده

بین هجاها فاصله قرار داده شده است):

الف. در اسم، صفت، قید، عدد، ضمیر و مصدر تکیه بر روی هجای پایانی قرار دارد، مانند:

/nar 'tâ/ (بزرگ)	،	/pâ 'til/ (دیگ)
/?u 'nâ/ (آنها)	،	/yag gi 'ri/ (تماماً)
/ma ša 'mur/ (افسرده)	،	/bi či 'le/ (جوجه)
/gu ar ga 'lu/ (گوساله‌ها- معرفه)	،	/ke tâ vâ 'ku/ (کتاب- معرفه)
/šum 'ze/ (شانزده)	،	/xâ 'now/ (خانه- معرفه)

ب. در منادا تکیه روی هجای آغازین است، مانند:

/'bu â/ (پدر! - منادا)	،	/'xâ ti/ (خاتم! در حالت منادا)
------------------------	---	--------------------------------

ج. در افعال ماضی ساده تکیه در سوم شخص مفرد بر روی هجای آخر و در دیگر صورت‌ها روی

هجای ما قبل آخر است، به عبارت دیگر تکیه همیشه بر روی ریشه فعل است، مانند:

/vâ 'vor dom/ (برگرداندم)	،	/vâ 'vord/ (برگرداند)
/'raf tom/ (رفتم)	،	/'ra/ (رفت)

د. در افعال مرکب تکیه بر روی کلمه اول (عنصر غیر فعلی) است. اگر کلمه اول اسم یا صفت

باشد بر روی هجای آخر آن مانند:

/bâ 'lâ ?â vo/ (استفراغ کرد)	،	/ka 'sam xârd/ (قسم خورد)
------------------------------	---	---------------------------

ه. در افعال ماضی نقلی تکیه روی هجای آخر است، مانند:

/xân 'nan/ (خوانده‌اند)	،	/ji ki 'đam/ (دویده‌ام)
-------------------------	---	-------------------------

و. در افعال ماضی بعید و مجهول تکیه روی هجای آخر فعل اصلی است، مانند:

/xâr 'de vâvi/ (خورده شد)	،	/vây si 'đe viđim/ (ایستاده بودیم)
---------------------------	---	------------------------------------

ز. در افعال مضارع و شرطی و امر تکیه روی هجای اول (پیشوند وجه) است، مانند:

/'bi rim/ (برویم)	،	/'mi đe row še/ (می‌لرزد)
-------------------	---	---------------------------

ح. در حروف ربط تکیه معمولاً روی هجای آغازین است:

/'?a ge/ (اگر)	،	/'?â mâ/ (اما)
----------------	---	----------------

۶.۲. آهنگ

«اگر زیر و بمی بر واحد گروه یا طبقه ظاهر شود به آن آهنگ گفته می‌شود» (مشکوٰۃ‌الدینی،

۱۳۸: ۱۳۷۴). چنان‌که در فصل ساخت‌واژه توضیح داده شده است، آهنگ یکی از ابزارهای انتقال معنی

است و جملات خنثی با آهنگ افتان یا خیزان مفهوم خبری و پرسشی به خود می‌گیرند. با این توضیح

آهنگ در گویش کوردی به صورت زیر است:

۱. در جملات خبری، امری، تعجبی و پرسشی باکلمات پرسشی آهنگ جمله افتان است:

/mo raftom/ (من رفتم)

/hamije biši/ (همین جا بنشین)

/kojâ ra/ (کجا رفت؟)

/če moxe šuxi/ (عجب نخل قشنگی!)

۲. آهنگ جملات پرسشی بدون کلمه‌ی پرسشی و جملات پرسشی با کلمه‌ی پرسشی که برای خواستن از گوینده یا برای تکرار به کار می‌رود خیزان است:

/ketâvâku xânni/ (کتاب را خواندی؟)

/ki gelowide/ (آگفتی [کی زمین خورده است؟])

در این گویش نیز مثل فارسی استاندارد برای بیان منظور خاصی آهنگ کلمه‌ی مورد نظر تغییر می‌کند و خیزان می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، سعی بر آن بود تا در حد امکان گنجایش یک مقاله، ویژگی‌های آوایی گویش کوردی را بررسی کنیم. این بررسی در مقوله‌های معرفی واج‌ها و تقسیم‌بندی آنها، واج‌گونه و ویژگی‌های آنها، ساختار هجایی، فرآیندهای آوایی و خصوصیات زیر زنجیری گویش بود که شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با فارسی رسمی استاندارد در قالب مثال و نمودار و ... بررسی شد. امید که جنبه‌ای از یکی از گویش‌های مهجور کشورمان را نمایانده باشیم.

یادداشت‌ها

- | | |
|-------------------------------|---------------------------|
| 1. Sonorant | 2. Obstruent |
| 3. Fortis | 4. Lenis |
| 5. Anterior | 6. Coronal |
| 7. Compensatory Lengthening | 8. Fusinal |
| 9. Contact | 10. Distant |
| 11. Aphaeresis | 12. Syncope |
| 13. Apocope | 14. Phonological Strength |
| 15. Lenition | 16. Fortition |
| 17. Principle of Least Effort | |

منابع

الف. فارسی

ثمره، یدالله. (۱۳۶۴). آواشناسی زبان فارسی. تهران: مرکز نشر.

- حق شناس، علی محمد. (۱۳۸۰). آواشناسی. تهران: آگاه.
- ساغروانین، جلیل. (۱۳۶۹). فرهنگ اصطلاحات زبان شناسی. مشهد: نما.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۷۴). ساخت آوایی زبان فارسی: بحثی در مورد صدهای زبان و نظام آن. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۶۴). در آمدی به آواشناسی. تهران: نشر دانشگاهی.

ب. انگلیسی

- Falk, J. S. (1978). **Linguistics and Language**. New York: John Wiley & Sons.
- Feleming, E. S. (2001). *Contrast and Preceptual Distinctiveness*. <http://www.stanford.edu/felleming/paper/candp13>.
- Lass, R. (1998). **Phonology**. Cambridge: Cambridge University Press.

